

نقش آموزه های دینی و اعتقادی در پیشگیری از جرم^۱

ابراهیم محمدی^۲

چکیده:

جرم و گناه یکی از موضوعاتی است که در تمامی ادوار تاریخی وجود داشته است. و پیشگیری از جرم و گناه یکی از موضوعات اساسی در حیات بشری بوده که همواره به شیوه های مختلفی اعمال گردیده است. اما یکی از عوامل موثر و کارآمد در رابطه با پیشگیری از جرم، نقش و تاثیر آموزه های دینی بر افراد می باشد؛ آموزه هایی که باعث خود کنترلی در افراد میشود و دیگر نیازی به کنترل رسمی یا غیررسمی نخواهیم داشت. نگارنده باتوجه به ضرورت و اهمیت تاثیر آموزه های دینی و آسمانی در پیشگیری از کج روی و آسیب های اجتماعی، تصمیم به بررسی این مبحث، تحت عنوان ((نقش آموزه های دینی و اعتقادی در پیشگیری از جرم)) گرفت. از جمله اهداف این پژوهش بررسی کارکرد و سهم آموزه های دینی و اعتقادی در پیشگیری از وقوع جرم، بررسی ساز و کارهای موثر در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان می باشد و اینکه آیا در صورت نهادینه شدن این فرضیه در جامعه، تا چه حد می تواند در پیشگیری از وقوع جرم و گناه موثر باشد. گزارش محتوا در این مقاله، به روش کتابخانه ای و مراجعه به متون دینی و نظر علمای اسلامی بوده است. نتیجه تحقیقات نشان داد که تعالیم و آموزه های اسلامی در همه زمینه ها به دغدغه های بشری پاسخ میدهد و رنگ کهنگی به خود نمی گیرد. چه در زمینه اخلاقی یا معنوی باشد و چه در زمینه نظارتی که سبب پیشگیری از ارتکاب جرایم و تخلفات می شود. چرا که ایمان به خداوند، ایمان به روز جزا، توجه قلبی و عملی به فروع دینی و هم نشینی با افراد صالح، جملگی از راهکارهای پیشگیری از ارتکاب جرایم و تخلفات در جامعه می باشد. لذا پناه بردن به آموزه های دینی، خصوصاً دین اسلام، بهترین و مؤثرترین روش در این عرصه است.

کلید واژه ها: تعالیم و حیانی، بازدارندگی، کج روی، آسیب اجتماعی.

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۰

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.

ebrahimmohammadi6474@gmail.com

مقدمه:

«همه مذاهب و ادیان الهی، انسان ها را به درستی، راستی و اصلاح و رستگاری دنیوی و اخروی فرا خوانده اند. به تعبیری شاید بتوان گفت که علت انتخاب پیامبران الهی وانزال وحی و نیز دستورات دینی، نجات انسانها از رذایل اخلاقی و منع آنها از کارهای زشت و نامناسب و تشویق مردم به ایمان و نیکو کاری بوده است. تحقیقات انجام شده در جوامع مذهبی نیز این مطلب را ثابت کرده است که در ایام خاص نیز ماه مبارک رمضان و... میزان جرم و جنایت کاهش قابل توجهی دارد که این امر گویای نظریه ی فوق است.» (ابوطالبی، ۱۳۹۲). به جهت اهمیت مذهب و آموزه های دینی در زندگی اجتماعی افراد، در فقه اسلامی و حقوقدانان و فقهای اسلامی بوده است.

پیشگیری از جرم و عامل و علت وجود جرم از مباحث بسیار مهم و رایجی بوده که هیچ گاه مورد بی اعتنایی و فراموشی جرم شناسان، جامعه شناسان، روان شناسان و به طور کلی علم سیاست جنایی و جامعه شناسی جنایی قرار نخواهد گرفت. چرا که جرم و گناه از زمانی که بشر پا به دنیای مادی و در عرصه ی حیات گذاشته همواره وجود داشته و بشرهمواره انحرافات، کژروی از معیار مناسب، تباهی ها و جرائم را با طعم تلخ آنها چشیده است. با نگاهی به آموزه های دینی می بینیم که آنچه امروزه از آن به عنوان پیشگیری از جرم یاد می شود در تار و پود پیام های آسمانی و رهنمود های انبیا و اولیا الهی بوده است. و بالا تر از آن از آنجا که رسالت دین، رهایی انسان از تباهی و فساد و گمراهی می باشد؛ لذا پیشوایان دینی برای تحقق آن، از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند و قبل از مبارزه با معلول، با علت و زمینه گناه و جرم مبارزه می کردند و بر این اساس پیشگیری از انحراف و کژی، درصدر وظایف رهبران دینی قرار داشته است. (شجاعی، ۱۳۸۸)

نقش اعتقادات مذهبی بر اعمال و رفتار انسان معتقد، امری انکار ناپذیر است. اعتقادات مذهبی در تمامی اعمال و رفتار انسان مؤمن منعکس شده، او را به انجام اوامر الهی ترغیب و از متاهی باز می دارد. (چاچاله، ۱۳۷۸)

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می گوید: "هر اندازه که ایمان مذهبی انسان بیشتر باشد، بیشتر به یاد خداوند است و هر اندازه که انسان به یاد خداوند باشد، کمتر معصیت می کند. معصیت کردن و نکردن، دایر مدار علم و آگاهی نیست، بلکه دایر مدار غفلت و تذکر است. به هر اندازه که انسان غافل باشد، یعنی خداوند را فراموش کرده باشد، بیشتر معصیت می کند و هر

اندازه که خداوند بیشتر به یادش بیاید، کمتر معصیت می کند. عصمت، نهایت درجه ایمان است و ایمان به هر اندازه که بیشتر باشد، انسان بیشتر به یاد خداوند است.

اگر انسان همواره خدا را در نظر داشته باشد هیچگاه مرتکب گناه نمی شود. البته مایک چنین دائم الحضور غیر از معصومین علیهم السلام نداریم... و عبادت برای این است که انسان زود به زود به یاد خداوند بیفتد و هرچه که انسان بیشتر به یاد خدا باشد، بیشتر پایبند اخلاق و حقوق خواهد بود. (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۲۵۱)

اگر انسان حس کند که چشمانی همیشه بیدار، همواره مراقب اوست، همواره در کنار و همراه اوست شرم حضور او را از هر آنچه سبب ناخشنودی اوست، باز می دارد. و در پرتو دینداری واقعی چنان انسان رشد می کند که نه تنها در حضور دیگران بلکه در خلوت و تنهایی هم از جرم و گناه پرهیز می کند. نوعی خود کنترلی در او بوجود می آید.

عده ای از کارشناسان در تاثیر اعتقادات مذهبی بر کاهش جرایم اظهار داشته اند: اعتقادات دینی سبب ایجاد امنیت اخلاقی شده و این امنیت موجب کنترل درونی و بروز رفتارهای ارزشی و مطابق با هنجارها می شود.

امروزه یکی از شیوه هایی که در اکثر کشورهای جهان برای جلوگیری از جرم و تخلفات انجام می شود، که اثر مهمی هم از خود نشان داده، شیوه مذهب درمانی می باشد. زمانی که در جامعه ای، عوامل معنوی و دینی پررنگ تر می شود؛ بی شک میزان جرم و جنایت کاهش قابل ملاحظه ای می یابد. به گونه ای که در بررسی ها و تحقیقات صورت گرفته، مشخص شده است غالب بزهکاران افرادی هستند که از دین دور شدند و در خانواده هایی پرورش یافته اند که ارزشهای معنوی و وحیانی کمرنگ شده و ارزشهای مادی جای آن را گرفته است.

نظر به اینکه آموزه های دینی، در رابطه با پیشگیری از جرم، برای نظام قضایی ما، که مبتنی بر احکام اسلامی است، کارآمد و موثر است؛ نوعی اقدام پیشگیرانه از وقوع جرم و بزهکاری و انحراف و گمراهی از اصول قضایی اسلامی و سیاست جنایی اسلام محسوب می شود. این اقدامات پیشگیرانه مجموعه ای از اقدامات و فعالیت های سازنده تربیتی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می گیرد. واقعیت آن است که کارآمدی احکام اسلامی و قضایی اسلام، در بستر مناسب و طبیعی خود جلوه گر می شود. بستر طبیعی اجرای احکام اسلامی جامعه ای را می طلبد که در آن قبل از مبارزه با معلول، باعلت و اساس آن مبارزه شود.

جرم و گناه، پیشرفت جوامع را مختل می‌کند و هزینه های زیادی را برای حکومت دارد و باید از طریق اقدامات پیشگیرانه و پیوند عمیق با نسل جوان جامعه را اصلاح کرد و از بزهکاری به دور و مصون داشت. یکی از عوامل که افراد را از بزهکاری باز می‌دارد، رعایت تعلیم و حیانی و داشتن رابطه قوی با خداست. بنابراین عملاً می‌بینیم در مواقعی که پیوند محکم‌تر است، وقوع جرم در جامعه کاهش می‌یابد. برای نمونه در ماه های محرم و رمضان که مسائل عبادی بیشتر مورد توجه است آمار جرائم چون قتل و زنا و ... کاهش می‌یابد. توجه به کرامت انسانی، برخورد عاطفی و با محبت و تقویت اعتماد به نفس، از دیگر روش ها برای کاهش بزه های اجتماعی است.

اعتقادات و آموزه‌های دینی نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع جرم و تحقق سلامت اجتماع دارد و عامل تقویت ایمان و معنویات است که در آیات متعدد قرآن بر آن تاکید شده است. خداوند در موارد متعدد علت تشریح احکام را دوری از انحراف ها، معاصی و جرائم ذکر کرده که آیه ۴۵ سوره عنکبوت «ان الصلاه تنهی عن الفحشا و المنکر» (عنکبوت / ۴۲) درخصوص نماز آمده است که نماز به منظور جلوگیری از فحشا و منکرات است. خداوند در قرآن کریم فلسفه روزه را تقویت تقوی و خودنگه‌داری ذکر کرده است. (بقره/آیه ۱۸۳) بنابراین روزه از جهت تقویت تقوای الهی و خداترسی در هنگام بروز وسوسه های شیطانی و جرم از هنگامی که هیچ پلیس و مانعی بر سر راه ارتکاب جرم نیست، به‌عنوان ابزار قوی و محکم، اراده فرد را تحت تأثیر قرار داده و مانع ارتکاب جرم می‌گردد. علاوه بر تأثیر قابل توجهی که تعلیم دینی و اجرای دستورات الهی بر کاهش بزهکاری، به طور مستقیم یا غیرمستقیم دارند، هماهنگی و همگونی که توسط دین و مکتب دینی ایجاد می‌شود. خود از عوامل پیشگیری از بزهکاری است.

در این زمینه برخی اعتقاد دارند: «در جوامع روستایی که در آن همگونی اجتماعی قوی‌تر است و بزهکاری به همان اندازه ضعیف‌تر است. این همگونی به تعداد زیادی برپایه مذهب که با حقوق یکی است استوار بوده و جامعه اسلامی بازمانده ای از این الگوست (پیکا، ۱۳۷۰، ۱۱۷)

در اندیشه امام علی (ع) فلسفه بعثت پیامبران، چیزی جز رهایی انسانها از انحرافها و گمراهی‌ها نبوده است. در اوج فوران و رواج جرائم و بدبختی‌ها، انبیای الهی با ارائه آموزه‌های دینی به مدد بشر برخاست و او را به وادی رستگاری رهنمون کرد. محتوای دین، آموزه‌های آن اموری است که اگر به طور صحیح بیان شود و در چارچوب دین بیان شود و به‌درستی برای مردم در جامعه تحقق یابد، آن جامعه را به میزان زیادی از ناهنجاریها و انحرافها پاک خواهد کرد (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰، ص ۳۰۰).

اعتقاد مذهبی در اسلام یک مفهوم چند بعدی است که شامل طیف گسترده و وسیعی از اعتقادات و اعمال افراد می شود که با آرمان های آنها به هم پیوسته است اعتقاد مذهبی در حقیقت شامل دو بعد است:

- بعد نظری اعتقاد مذهبی که عبارت است از اعتقاد واقعی و خالصانه افراد به خداوند ، انبیا، فرشتگان، روز جزا و قدر....

- بعد عملی اعتقاد مذهبی یعنی اعتقادات نظری افراد در تمامی رفتار و اعمال روزانه انسان مومن منعکس شده و او را به انجام اوامر الهی ترغیب و از مناهی باز می دارد. (لکالی اندی، ص ۲۴۶).

انسان برای رسیدن به یک زندگی آرام، نیاز به دین دارد و دینداری در سالم سازی اجتماع نقش بسزایی دارد و گرایش به جرم را از بین می برد ، و یک نیروی یکپارچه کننده و وحدت بخش شخصیت انسان است. دین می تواند عامل کنترل اضطراب ها، احساس ها و ناامنی ها، لغزش ها، نابودی ملت ها و غیره باشد.(حلاج پور، ۱۳۸۲، ص ۳۵۷-۳۵۸).

دین با کنترل افراد آنان را به سوی زندگی بدون جرم فرا می خواند؛ چرا که:

۱. دین نوعی ضمانت اجراهای درونی برای افراد به همراه دارد که وقتی با مقررات و نظارت های بیرونی جامعه جمع شود، بازدارندگی قوی برای افراد در برابر ارتکاب جرم ایجاد می کند. به عقیده علامه طباطبایی : هر چند قوانین و مقررات عادلانه ای وضع شود و احکام جزئی سخت و تهدید کننده هم وجود داشته باشد، در عین حال، جلوی تخلف و ارتکاب جرم را جز به وسیله اخلاق فاضله انسانی نمی توان گرفت.

باید گفت تقویت و تربیت وجدان یا نفس سرزنشگر یکی از کارکردهای اساسی دین برای رویارویی با انحراف و پیشگیری از جرم است. ویژگی این نفس آن است که با انجام گناه و جرم، صاحبش را مورد سرزنش قرار می دهد و در نتیجه، سبب پشیمانی او می شود و زمینه را برای رهایی وی از انحرافات آماده می سازد. اهمیت این نفس تا آنجاست که خداوند در قرآن به آن سوگند یاد می کند و می فرماید: "وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ؛ و سوگند به نفس لوامه (و سرزنشگر)" . اگر وجدان انسان همواره بر اساس آموزه های دینی تربیت شود، میزان گناه و جرم او به میزان فراوانی کاهش می یابد.

۲. اساساً دین ضمانت اجراهای قوی اخروی می آورد؛ آموزه های دین در رابطه با معاد و زندگی پس از مرگ و ترسیم انذار و تبشیر، پاداش و عقاب می تواند تاثیر زیادتری از ضمانت اجراهای دنیوی داشته باشد. دین با تبشیر و انذار و تأکید بر این نکته که انسان پاداش یا کیفر کارهای نیک و بد دنیوی را در روز حساب خواهد دید، انسان را ترغیب می کند که مراقب رفتارهای خویش باشد و خود را از لغزش ها و جرم ها که سبب گرفتاری او در روز رستاخیز خواهد شد، باز دارد. امام باقر (ع) می فرماید: تعجب است از کسی که به خاطر ترس از بیماری از خوردن غذا پرهیز می کند، چگونه از ترس آتش دوزخ از گناهان پرهیز نمی کند. فرهنگ سازی درباره اعتقاد به روز قیامت، یکی از عوامل سالم سازی جامعه از ارتکاب جرم و بزه است.

در اینجا باید توضیح داد، یکی از پیام های دین، یاد خداست، یاد خدا و حاضر و ناظر دانستن او به سبب حیا مندی ساختن انسان، وی را از بزه ها و جرم ها باز می دارد.

۳. دین نوعی پیوستگی و نظارت بیرونی از سوی دینداران بر فرد ایجاد می کند، همان مسئله ای که ساترلند در نظریه معاشرت های ترجیحی خود مطرح می کند. وی معتقد است: ما انسان ها با هم معاشرت داریم، برخی از این معاشرت ها پیوستگی و برخی فراوانی بیشتر دارد. هر چقدر این معاشرت ها از مدت، شدت و تکرار زیادتری برخوردار باشد، در شکل گیری رفتار ما موثرتر است؛ لذا بزهکاران با کسانی معاشرت دارند که خودشان بزهکارند و معاشرت آنها با افراد ناباب، مدت، شدت و تکرار بیشتری دارد.

در واقع، دین اسلام با سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، افراد دیندار را موظف می کند در برابر رفتار مجرمانه افراد احساس مسئولیت کنند و سکوت اختیار نکنند و با گفتار و رفتار مناسب پاسدار فضیلت ها و نیکی ها در جامعه باشند و از گسترش هر گونه هنجارشکنی و کج روی و جرم و بزه در اجتماع پیشگیری کنند. بی گمان، اگر دو واجب امر به معروف و نهی از منکر به درستی، صورت می گرفت، اکنون از بسیاری از جرم ها و بزه ها خبری نبود و دامن جامعه از بسیاری از آلودگی های برخاسته از تبهکارها پاک بود. در جامعه جرم ها و بزه های فراوانی رخ می دهد؛ زیرا دیگران در برابر آنها احساس مسئولیت نکرده و در نتیجه امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند (مضانیان، ۱۳۸۹).

در این پژوهش سعی شده است تا به بحث و بررسی مسائل مربوط به «تأثیر تعالیم وحیانی در بازدارندگی از کج روی و آسیب اجتماعی» پرداخته شود و در آخر ارزیابی کلی از مسائل موجود، همراه با پیشنهاداتی در جهت بهبود، برای همگام شدن این مسائل با نیازمندی های

جامعه بشری، در بحث بازدارندگی تعالیم وحیانی و اعتقادات مذهبی در بزهکاری ها، به عمل خواهد آمد.

۱- اعتقاد به خداوند و نقش آن در پیشگیری از جرم

مقصود از اعتقاد به خداوند، باور داشتن خداوندی است که مالک واقعی انسان و جهان است و یگانه معبود شایسته پرستش. خداوندی که سمیع و بصیر است گفته های مردم را می شنود، کارهای آنها را می بیند و به تمام آنچه بر آنان می گذرد بینا و آگاه است. خداوندی که بر همه انسان ها احاطه کامل دارد و در تمام لحظات، مراقب حرکات و سکنت آنان است و بر کلیه واقعیت های آشکار و پنهانشان واقف است.

بشر از آن جهت که در اندیشه کمال مطلق است و خواسته های بی نهایت دارد؛ مادیات محدود نه تنها پاسخگوی تمنیات نامحدود او نیست، بلکه با نیل به لذت ها و نعمت های مادی و دست یافتن به ثروت ها و مقامات دنیوی- که بعضا عواقب سوئی به دنبال دارد و وی را آلوده به گناه می کند- سیر و دل زده می شود و همچنان به جستجوی بی نهایت می رود تا خواهش نامحدود خویش را اقناع نماید و به ضمیر ناآرام خود تسکین بخشد این هدف عالی جز با یاد خداوندی که کامل مطلق و واجد تمام کمال است دست یافتنی نیست. در یک جمله جوابگوی مطلق خواهش های بشر فقط خداست. ذکر و یاد خدا به عنوان یک متغیر، تأثیر فردی و جمعی چشمگیری در رفتارهای انسان دارد. قرآن یاد و ذکر خدا را موجب آرامش قلب ها معرفی می کند (الا بذكر الله تطمئن القلوب) و فراموشی خدا باعث غفلت و گناه است (نسوالله فانساهم انفسهم). همان گونه که فراموشی یاد و ذکر خدا زمینه ساز فراموشی خود و گمراهی است، یاد و ذکر خداوند به ویژه نماز، منشأ بازدارندگی از کجروی و گناه است. در آموزه های دینی یاد خدا میه آرامش دلهاست و در قرآن نماز یکی از بزرگترین و مؤثرترین سازوکارهای پیشگیری از جرم و گناه است. «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» (عنکبوت/۴۵)؛ برآستی نماز از زشتی و پلیدی بازمی دارد». در قرآن نماز به عنوان «ذکرالله اکبر» نام برده شده است. در جهان بینی توحیدی نماز ابزار و سازوکار ارتباط میان انسان و خداوند سبحان بوده و همین رابطه است که اگر به مفهوم حقیقی آن تحقق پیدا کند بزرگترین مانع کجروی و بزهکاری و گناه است. (ترابی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷-۱۲۶).

الف) سازوکار علم و نظارت خداوند

یکی از مهم ترین اعتقادات بازدارنده از ارتکاب گناهان و جرایم، علم و آگاهی نامحدود خداوند به همه موجودات و از جمله انسان و اعمال و رفتار اوست. از نظر قرآن، همه موجودات در محضر خداوند قرار دارند: «ان الله کان علی کل شیء شهیداً» (نساء/ ۳۳)؛ خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است. هیچ چیزی در آسمان و زمین بر خدا مخفی و پنهان نیست: «ان الله لا یخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء» (آل عمران/ ۵)؛ خداوند همه چیز را می بیند و تحت اشراف علمی او می باشد «الم یرى» (علق/ ۱۴)؛ آیا او نمی داند که خداوند همه اعمال او را می بیند؟ خداوند حتی از مخفی ترین مخفی ها نیز آگاه است: «وان تجهر بالقول فإنه یعلم السرّ و اخی» (طه/ ۷)؛ اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی) او پنهانی ها و حتی پنهان تر از آن را نیز می داند. انسان نیز به عنوان جزئی از عالم هستی تحت نظارت و احاطه علمی خدای متعال قرار دارد. علاوه بر اعمال و رفتار ظاهری انسان، افکار، نیات، خطورات قلبی و حدیث نفسی او نیز برای خداوند معلوم و مشهود است: «وهو الله فی السماوات و فی الارض یعلم سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون» (انعام/ ۳)؛ اوست خداوند در آسمان ها و در زمین، پنهان و آشکار شما را می داند و از آنچه (انجام می دهید و) به دست می آورید با خبر است. نیز می فرماید: «و لقد خلقنا الإنسان و نعلم

ما توسوس به نفسه» (ق/ ۱۶)؛ ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم. «وهو معکم این ما کنتم والله بما تعملون بصیر» (حدید/ ۴) و او با شماست هر جا که باشید و خداوند نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست.

ایمان و اعتقاد به این آموزه ها موجب می شود که انسان همیشه خود را تحت احاطه علمی بی پایان و نظارت دقیق خداوند متعال بداند و نه تنها در ظاهر از کزروی ها و اعمال ناپسند خودداری کند، بلکه در باطن نیز افکار ناپسند و نیات شوم را به دل راه ندهد. از آن رو که اعمال و رفتار انسان تبلور افکار و مقاصد اوست، طبیعی است که با کنترل افکار و اندیشه ها، رفتار انسان نیز اصلاح، و ریشه انحراف و ناهنجاری ها از بن قطع خواهد شد (خسروشاهی، ش ۳۰-۳۱، ص ۵۵-۷۳).

مشروط بر اینکه ایمان به این مطلب واقعاً در دل او رسوخ کرده و به صورت یک باور قطعی رسیده باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۷، ص ۱۶۸). در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم: «برترین مرحله ایمان انسان این است که بداند هر جا باشد خدا با اوست.» (سیوطی، ج ۶،

ص ۱۷۱). در روایتی دیگر آمده است: «عبد الله كأنک تراه فإن لم تكن تراه فإنه يراك» (محمدباقر مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۰۴). خدا را آنچنان عبادت کن که گویی او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی، او تو را به خوبی می بیند.

امام موسی کاظم (ع)، نیز به یکی از فرزندان خود می فرماید: «فرزند عزیزم، بپرهیز از اینکه خداوند تو را در حال ارتکاب معصیتی ببیند که از آن منع کرده است، و بپرهیز از اینکه خدای تعالی تو را در مقام طاعتی که به آن مأمورت ساخته است نیابد.» (شیخ صدوق، ج ۴، ص ۴۰۸).

توجه به این که خداوند بر تمامی نظام هستی و از جمله، بر اعمال انسان ناظر بوده و هیچ کار کوچک و حتی اندیشه انسانها از او پوشیده نیست، آثار اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. انجام کارهای نیک، ترک کارهای زشت، صبر در برابر سختی ها و مشکلات و انگیزه برای کوشش، و تلاش نمونه ای از این آثار است. البته، در صورتی این بینش تأثیر گذار خواهد بود، که از مرحله علم گذشته و به مرحله ایمان و اعتقاد قلبی برسد.

هر انسانی به هنگام انجام هر عملی، در صورتی که بیننده ای ناظر بر اعمالش باشد، مواظب است تا رفتار صحیح و شایسته انجام دهد و از امور ناپسند بپرهیزد. حتی اگر کودکی ناظر بر کردار او باشد، از ارتکاب کارهای ناشایست سرباز می زند. هر اندازه این ناظر نزد فرد بزرگ و با عظمت باشد، بیشتر از رفتار خویش مراقبت می کند. حال اگر این بیننده، خداوند متعال باشد، و افراد نیز به آگاهی او بر رفتار و اعمالشان توجه داشته باشند، تأثیر بیشتری بر رفتار آنان داشته و آثار فراوانی را به دنبال دارد. که در این نوشتار، به برخی از آثار اجتماعی آن از دیدگاه آیات الهی و کلام معصومان اشاره می شود.

خداوند متعال شاهد و ناظر بر همه هستی و از جمله رفتار، گفتار و افکار انسانهاست. او از اندیشه ها و حالات روحی و روانی افراد آگاه می باشد. بنابراین، انسان هر کاری که انجام می هد، در پیشگاه پروردگار بوده و چیزی از اعمال و حتی نیاتش او از خداوند مخفی نیست و اساساً همه عالم هستی در محضر الهی است.

قرآن درباره وسعت علم الهی به تمام عالم هستی از جمله اعمال انسان و رازهای درون او، می فرماید:

«آیا [منافقان] ندانسته‌اند که خدا راز آنان و نجوای ایشان را می‌داند و خدا دانای رازهای نهانی است.» (توبه/۷۸).

و در هیچ کاری نباشی و از سوی او [= خدا] هیچ [آیه‌ای] از قرآن نخوانی و هیچ کاری نکنید، مگر اینکه ما بر شما گواه باشیم، آنگاه که بدان مبادرت می‌ورزید و هم‌وزن ذره‌ای نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست و نه کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر از آن چیزی نیست، مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است (یونس/۶۱).

در این، دو آیه، سخن از حضور خداوند در همه جاست، در ابتدای آیه، خطاب به پیامبر اکرم است که ای رسول ما! تو در هر حال و اندیشه ای که باشی، ما از آنها آگاه بر تو ناظریم و در ادامه آیه، تمام انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد که ای مردم، هر کاری را که انجام دهید در محضر پروردگارتان صورت می‌گیرد و هیچ یک از کارهای شما چه کوچک و چه بزرگ، از ساخت مقدس او پوشیده نیست.

حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید: «لاتهتکوا استارکم عند من یعلم اسرارکم.»؛ «پرده خویش را نزد کسی که از اسرار شما آگاه است، ندرید.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳).

تعبیر به «شهود» جمع «شاهد» به معنای حاضر و ناظر و مراقب، خداوند، کنابه از عظمت و بلندی مقام پروردگار و احاطه او بر تمام هستی است.

حضرت علی(ع) درباره آگاهی خداوند از کارهای انسان، می‌فرماید: «خداوند روزی بندگان را پخش کرده است و از همه کردارها و رفتارها، و از شمار نفوس و دزدانه نگریستن‌ها، و از تمامی انگیزه‌های نهفته در نهان سینه‌ها، تا فرجام و پایان حرکت انسان، به راستی آگاه است.» «اعمالی که بندگان در شب و روز انجام می‌دهند بر خدای سبحان پوشیده نیست. از کم‌ترینشان با خبر و بر مجموعه‌شان آگاه است.» و باز می‌فرماید: «بار خدایا، تویی آشناترین همدم برای یارانت و هم برای آنان که بر پشتیبانی تو تکیه دارند، در خلوت رازهاشان گواه آنانی و از درونشان آگاه و بر میدان دیدشان دانا پس اسرار آنان برایت هویدا و قلبهاشان در پیشگاهت شیفته و شیدا است. اگر تنهایی به هراسشان افکند، با یاد تو انس گیرند و اگر از هر سو بر سرشان بلا بیارد، به حضرت پناه آورند؛ زیرا می‌دانند که رشته تمامی جریان‌ها و زمام همه امور در دست توانمند تو باشد، و مجاری صدور امورشان جز به قضای تو نباشد.» (داودی، ۱۳۸۸)

یاد خدا و حاضر و ناظر دانستن او به سبب حیامند ساختن انسان، وی را از بزه ها و جرم ها باز می دارد و به روح او ایمنی می بخشد.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می گوید:

«هر اندازه که ایمان مذهبی انسان بیشتر باشد، بیشتر به یاد خداوند است و هر اندازه که انسان به یاد خداوند باشد، کمتر معصیت می کند. معصیت کردن و نکردن، دایر مدار علم و آگاهی نیست، بلکه دایر مدار غفلت و تذکر است. به هر اندازه که انسان غافل باشد، یعنی خداوند را فراموش کرده باشد، بیشتر معصیت می کند و هر اندازه که خداوند بیشتر به یادش بیاید، کمتر معصیت می کند. عصمت، نهایت درجه ایمان است و ایمان به هر اندازه که بیشتر باشد، انسان بیشتر به یاد خداوند است. اگر کسی دائم الحضور باشد و همیشه خداوند در نظرش باشد، طبعاً هیچ وقت گناه نمی کند. البته ما یک چنین دائم الحضور غیر از معصومین علیهم السلام نداریم... و عبادت برای این است که انسان زود به زود به یاد خداوند بیفتد و هر چه که انسان بیشتر به یاد خدا باشد، بیشتر پای بند اخلاق و حقوق خواهد بود.» (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۵۲۱).

ب) سازوکار دوستی و محبت نسبت به خداوند

هر کسی که در قلبش محبت خدا باشد و خدا را دوست داشته باشد، آثاری برایش دارد.

یکی از آثارش این است که عبادت و بندگی خدا را دوست می دارد. و اگر محبت به خدا را در دل باشد، مقاومت ما در برابر شهوات، ابلیس و تهاجم دیگران بیشتر می شود و قدرت افزایش پیدا میکند و انسان دوست دارد فرمان خدا را ببرد. و محبت خدا سبب می شود که انسان از دینداری خودش لذت ببرد، چنان لذتی که اهل دنیا از دنیای خود نمی برند. کسی که محبت خدا را در دل دارد سعی دارد آنچه را خدا گفته است بگوید. آنچه را که خدا خواسته انجام بدهد. وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبت همه ی آنچه را که رنگ و نشانی از او دارند، در خود می یابد و به مقداری که این رنگ و نشان بیشتر و قوی تر باشد، علاقه و محبت نیز فزون تر می شود. آن کس که به دوستی با خدا افتخار می کند، از هر چه ضد خدایی است، بیزار است. کسی که به دوستی با خدا دل بسته و او را محبوب زندگی خود قرار داده است، راه رسیدن به او را هم دوست دارد. اعمالی که انسان را به خدا می رساند، همان برنامه هایی است که به نام «دین» در اختیار ما قرار داده شده است. پس دوستدار خدا، دوستدار دین او و راه رسیدن به

اوست . بنابراین، دینداری گر چه با دوستی خدا آغاز می شود، اما تنفر از ضد او را نیز به دنبال دارد. به همین جهت اگر کسی بخواهد قلبش را خانه ی خدا کند باید محبت شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند. جمله ی «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک نفی و یک اثبات است : «نه» به هر چه غیر خدایی است و «آری» به خدای یگانه. پس دینداری بر دو پایه استوار است : تولی (دوستی با خدا) و تبری (بیزاری از باطل) و به میزانی که دوستی با خدا عمیق تر باشد نفرت از باطل هم عمیق تر است. امام خمینی (ره) در پیام ارزشمندی، بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزاری می گوید: «مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.» بر مبنای همین تحلیل، ایشان به مسلمانان جهان سفارش می کنند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.

نمی شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه ی عدم صداقت در دوستی است. برخی می پندارند محبت قلبی و درونی کافی است. می گویند: «قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد، اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آن چه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است.» این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند می فرماید اگر مرا دوست دارید و اگر محبت من در قلب شما قرار گرفته، شایسته است از دستورات من پیروی کنید. چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه ی قلبی کند اما به دستورات او گوش ندهد...؟! و اگر محبت به خدا و دین در ما غوغا می کرد، دیگر تهاجم فرهنگی و ماهواره ها اثری نداشت، چرا که همین امروز، دشمن هر چقدر تلاش می کند نمی تواند عزاداری امام حسین(ع) را از رونق بیندازند، چرا که در مکتب امام، عشق جریان دارد و اگر محبت خدا به قلب انسان برسد؛ قلبش نورانی می شود و لطف و عنایت خدا با سرعت به او می رسد و برکت زندگی او را فرا می گیرد و وقتی برکت وجودش را فرا گرفت اهل حکمت می شود و وقتی که حکیم شد صاحب بصیرت و تیزبینی می شود و به قدرت رسیده و هفت آسمان را می شناسد و وقتی به این مرحله رسید دیگر شهوت و محبتش صرف خالق می شود و هرگاه بین گناه و خدا گیر کند خدا را که محبت و شهوتش در آن است انتخاب می کند. (کفایه الاثر/ص ۲۵۷)

رسول خدا فرمود: «هر کس با چیزی محشور می شود که دوست می دارد».

یعنی اگر کسی در دنیا واقعاً خدا و رسولش را دوست داشته باشد (البته گناه نمیکند) و در روز قیامت با آنان خواهد بود (بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۳).

ج) سازوکار خوف و خشیت

بدون شک یکی از ارزش‌های بزرگ در نظام ارزشی اسلام خوف از خداست. شاید گفته شود خدا که ترس ندارد، خیلی مهربان است بله خدا خیلی مهربان است اما گناه و جرم؛ جهنم زاست و خدا موجودیست عین جود و کرم و فیاضیت و رحمت. ولی او بر اساس حکمت خودش این نظام را برقرار کرده است که نتیجه جرم و گناه، گرفتار شدن در عذاب جهنم است. برنامه های هدایتی در فرهنگ اسلام بر مبنای حرکت دادن انسان و جامعه در مسیر رشد و ارتقاء به سوی خوبی ها و بازدارندگی از مسیر زشتی ها و پلشتی‌ها تنظیم و مقرر می شود، که بتواند انسان مسلمان را از هرگونه آلودگی باز دارد؛ و خداترسی نیز یکی از برنامه های فرهنگی است که خداوند تنظیم نموده است و از عوامل بازدارنده انسان از گناهان است. قرآن مجید در سوره (نازعات/ ۴۰ و ۴۱) «چنین می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»؛ «هر کس که از مقام پروردگار بترسد، و خود را از هوا و هوس باز دارد، جایگاه او بهشت است».

در این آیه به جای ترس از خدا، ترس از مقام خدا قرار داده شده است، مقصود از ترس از «مقام» خدا، همان مقام عدالت و دادگری او است.

امام علی(ع) فرمود: «الخوف سجن النفس من الذنوب، وراذعها عن المعاصی.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۸۲۸).

ترس که مقصود خداترسی است زندان کردن نفس از گناهان است، و بازگرداندن نفس از معاصی و جرائم.

و در روایت دیگری فرمودند: لا یكون المؤمن مؤمناً، حتی یكون خائفاً راجياً، و لا یكون خائفاً راجياً حتی یكون عاملاً بما یخاف و یرجو. مؤمن، مؤمن نیست مگر اینکه بیمناک، و امیدوار باشد، و بیمناک و امیدوار نیست مگر اینکه از آنچه از آن می‌ترسد دوری گزیند و بدانچه امیدوار است عمل کند.

برخی از راههای رسیدن به ترس از خداوند متعال به شرح ذیل است:

اول : بالا بردن معرفت خود نسبت به خداوند متعال. شکی نیست در اینکه هر قدر معرفت بنده به عظمت و جلال آفریدگار و ارتفاع شأن او و علو مکان او بیشتر، و به عیوب و گناهان خود بیناتر، ترس و خوف او زیادتر می‌شود. انسان وقتی کنار کوه بلندی می‌ایستد خوفی در دل او ایجاد می‌شود نه بخاطر آنکه ضرری متوجه اوست بلکه این درک عظمت است موجودی کوچک وقتی موجود بزرگی را درک کند خائف می‌شود.

و از این جهت پروردگار عالم می‌فرماید: «أَنْمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر / ۲۸)؛ یعنی: «این است و جز این نیست که خشیت و دهشت از خدا مخصوص بندگان است که عالم و دانا هستند» (ملا احمد نراقی، ج ۲، ص ۱۸۱).

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده اند : «من عرف الله خاف الله و من خاف الله سخت نفسه عن الدنيا». «هر کس خدا را بشناسد از او می‌ترسد و کسی که از خدا بترسد نفسش در رها کردن دنیا سخاوتمند می‌شود.» (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۵۷).

دوم : تحصیل محبت و انس با خدا با تفکر به نعمت های الهی.

چراکه وقتی محبت کسی در دل انسان نفوذ نمود به هیچ عنوان حاضر نیست کاری انجام دهد که ناراحتی او را بدنبال داشته باشد.

سوم : تقویت ایمان و یقین به خدا و روز جزا و بهشت و دوزخ و حساب و عقاب و ترس از پرونده اعمال خود و به عبارت ظریف تر ترس از عاقبت خود که نمی‌داند چکاره است و به کجا می‌رود.

چهارم: ترس از دادگاه خدا، و یاد آوری انواع عقاب های الهی و سختی های عالم برزخ.

پنجم : حالات خائفین از درگاه الهی را در نظر داشتن. خوب است انسان حکایات خوف انبیاء و اولیاء را مطالعه نموده و ملاحظه نماید ترس ایشان از پروردگار به چه حد بوده است (ملا احمد نراقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۹۲).

ششم : دقت در این مساله که عاقبت افراد مشخص نیست، به همین دلیل نمی‌توان اطمینان داشت مسیری که در زندگی طی می‌نمائیم منجر به عاقبت بخیری خواهد شد یا نه . لذا باید همیشه نگران عاقبت به خیری بوده و از عذابی که ممکن است به دلیل عاقبت به خیر

نشدن دامن انسان را بگیرد ترسید و بر ترک گناه و انجام اعمال نیکو مداومت داشت(همان، ص ۱۹۳).

هفتم : خداوند را همواره ناظر بر اعمال و رفتار خود دیدن:

امام صادق علیه السلام به اسحاق ابن عمار فرمود: ای اسحاق آن چنان از خدا بترس که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند، پس اگر چنین می پنداری که او تو را نمی بیند بتحقیق کافر شدی، و اگر بدانی که او تو را می بیند و با علم به این مطلب او را معصیت کنی او را از هر بیننده ای پست تر به حساب آورده ای.(ملکی تبریزی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۵).

هشتم : هر روز پس از اتمام فعالیت های عادی و قبل از رفتن به بستر و خوابیدن، افکار و اعمال روزانه خود را محاسبه کنید و اعمال ناصحیح و گناه آلود و لغزش های خود را بررسی کرده و به خود متذکر شوید و زشتی آن را برای خود مجسم نمایید.

نهم: هر چه بیشتر درباره انواع گناهایی که از انسان می تواند صادر شود، مطالعه نماییم و پیامدهای منفی، عوارض سوء دنیوی و عقاب های اخروی آن را از نگاه روایات و آیات قرآن مورد توجه قرار دهیم تا زشتی و قبح گناه و لغزش ها در ذهنمان بیشتر جایگزین شود.

دهم : با افرادی که دیدار و نگاه به آنها شما را به یاد خداوند متعال می اندازد نشست و برخاست و مجالست داشته باشید .

یازدهم : دوستان و هم اتاقی ها و هم درسی هایی که متدین و پای بند اصول اخلاقی و ارزشی هستند و از گناه کردن واهمه دارند و گناه و لغزش هر چند کوچک و اندک باشد برایشان بسیار زشت و ناپسند است و در صدد انجام واجبات و ترک محرّمات هستند انتخاب نمایید.

دوازدهم : آیاتی که در مورد عذاب و عقاب گناهکاران همچنین آیاتی که در توصیف جهنم و اهل جهنم و آیات مربوط به معاد و روز حساب رسی دقیق از همه اعمال و رفتار را مطالعه نمایید.

سیزدهم: مقایسه عذاب دنیا و عذاب آخرت، در دنیا اگر کسی چند نفر را بکشد فقط یکبار کشته می شود و دنیای مادی عدالت را برقرار نمی کند ولی دنیای آخری همانطوری که وعده داده شده عین عدالت است و مجازاتها سخت تر است.

در پایان باید به این نکته بسیار مهم توجه نمائید: آنچه در فضیلت و مدح ترس از خداوند گفته شد تا زمانی می باشد که از حد تجاوز نکند، چراکه اگر از حد خود تجاوز کند و به حد افراط رسیده و چه بسا منجر به ناامیدی و یأس از رحمت خدا گردد، و این حد ضلال و کفر است. «لا ییأس من رُوحِ اللَّهِ الْقَوْمُ الْکَافِرُونَ» (یوسف / ۸۷)؛ از رحمت خدا جز قوم کافر مأیوس نمی‌شوند». و شکی نیست که: چون ترس به این حد رسد انسان را از عمل و طاعت باز می‌دارد، زیرا که تا امید نباشد انگیزه برای عبادت نخواهد بود. و چون انگیزه نباشد کسالت در عبادت به انسان روی آورده و او را از عمل باز می‌دارد.

لذا در دستورات دینی سفارش شده که انسان همواره در بین خوف و رجا باشد تا ترس بیش از حد او منجر به ناامیدی نشده و امید بیش از حد او نیز وی را به گناه و طغیان نکشاند.

بند دوم: اعتقاد به معاد و بازدارندگی از جرم

یقین به قیامت و روز جزا آثار مثبت فراوانی برای فرد و جامعه در پیش‌گیری و کاهش جرایم و مفاصد دارد؛ زیرا انسان از نظر خواست طبیعی و فطری منفعت‌خواه، و از ضرر و زیان خویش به شدت متنفر و گریزان است. جلب منفعت و دفع ضرر، اعم از مادی و معنوی، در تمام ادوار زندگی محور فعالیت‌های او را تشکیل می‌دهد. انسان عاقل هیچ‌گاه آگاهانه دست به کاری نمی‌زند که صد درصد به ضرر او باشد (صدر، ص ۴۶). وجود انسان دلیلی بر معاد جسمانی است و افراد در هر سنی که باشند قبل از تولد اثری از آنها نبوده است. چه کسی ما را خلق کرد و چه کسی پدر و مادر ما را خلق کرد و اگر همین‌طور سلسله وار به عقب برگردیم می‌فهمیم خالق انسان موجودی مافوق انسان است که او همان خداست و خدایی که از هیچ ما را خلق نمود؛ توانایی آن را دارد که دوباره بعد از مرگ، آثاری که از استخوانها مانده، دوباره ما را خلق کند؛ لذا خلقت دوم راحت‌تر است. گرچه برای خداوند خلقت اول و دوم یکسان است.

بدون شک، اعتقاد واقعی به این آموزه‌ها، بزرگ‌ترین سد را در برابر هرگونه ظلم و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران ایجاد می‌کند. انسانها ذاتاً کسب منافع ولذت را دوست دارند و اعتقاد به معاد سبب می‌شود که منافع زودگذر و زوال‌پذیری که انسان از طریق تجاوز به حقوق دیگران کسب می‌کند، در مقایسه با میزان سختی و شدتی که در برابر آن قرار داده شده، به قدری حقیر و ناچیز است که هیچ انسان عاقل و دوراندیشی حاضر به چنین معامله‌ی زیان‌باری نخواهد شد.

اثراتی که ایمان به زندگی پس از مرگ می تواند در اصلاح افراد فاسد و منحرف و تشویق افراد به رعایت اصول و ارزش های انسانی داشته باشد به مراتب بیش از اثرات دادگاه ها و کیفرهای معمولی است؛ چراکه مشخصات دادگاه رستاخیز با دادگاه های معمولی بسیار متفاوت است. قرآن درباره خصوصیات دادگاه روز جزا می فرماید: «ونضع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئاً و إن كان مثقال حبه من خردل أتينا بها و كفى بنا حاسبين» (انبیاء، ۴۷)؛ «ما ترازوهای عدل را در روز قیامت نصب می کنیم. به هیچ کس در آنجا کمترین ظلم و ستمی نمی شود. اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل کار نیک و بدی باشد، ما آن را حاضر می سازیم و مورد سنجش قرار می دهیم و همین قدر کافی است که ما حسابگر اعمال بندگان باشیم.»

در آن دادگاه، نه تجدیدنظر و نه زر و زور و پارتی وجود دارد که مجریان عدالت را از حق منحرف کند و نه ارائه مدارک دروغین در آن فایده ای دارد؛ چون همه چیز از جمله خود اعضاء و جوارح و اعمال و افکار انسان جان می گیرند و به زبان می آیند، اعمال کوچک و بزرگ انسان را بازگو می کنند، اطراف هر کسی را اعمال تجسم یافته اش احاطه می کند و به صورت نعم بهشتی و عذاب جهنمی درمی آید. (شهید مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۳ و ۲۳۴). قرآن کریم می فرماید: «واتقوا يوماً لا تجرى نفس عن نفس شيئاً ولا يقبل منها شفاعه ولا يؤخذ منها عدل ولا هم ينصرون» (بقره / ۴۸)؛ «از روزی بپرهیزید که هیچ کس به جای دیگری جزا داده نمی شود و نه شفاعتی از او پذیرفته خواهد شد و نه غرامت و بدل، و نه کسی به یاری او می آید.»

اعمال مجرمانه و گناهان انسان، با ایمان به خدا و آخرت نسبت معکوس دارند؛ یعنی به هر نسبت که ایمان قوی تر باشد گناه کمتر است. حتی از برخی تعبیرات استفاده می شود که انسان اگر گمانی به وجود قیامت داشته باشد نیز از انجام بسیاری از اعمال خلاف خودداری می کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۱۸، ص ۴۷۸). چنان که درباره کم فروشان می فرماید: «ألا يظن أولئك أنهم مبعوثون ليوم عظيم» (مطففين / ۴ و ۵)؛ آیا آنها گمان نمی کنند که برای روز بزرگی مبعوث می شوند؟

الف- سازوکار پاداش و تشویق

فردی که ایمان به معاد دارد، بدون شک این ایمان تاثیر بسیار عمیق و گسترده ای در اعمال او دارد و کسی که می داند اعمالش بی کم و کاست به زودی در دادگاهی مورد بررسی قرار می گیرد که قضاتش از همه چیز آگاه هستند و نه توصیه در آن موثر است و نه رشوه و نه حکمش تجدید نظر دارد و براساس اعمالش کیفر یا پاداش می بیند نه فقط در اصلاح خود می کوشد

بلکه سخت گیر و موشکاف است و یقین دارد که انجام کار نیک و رعایت مسئولیت و التزام به اخلاق و قانون به دلیل پاداش های ابدی اخروی «سود و فایده محض»، آن هم از نوع والاترین و پایدارترینش را برای او به دنبال دارد؛ از این رو، با تمام وجود سعی می کند که ملتزم به آنها باشد.

قرآن نیز طبق این اصل روان شناسی می فرماید: «من عمل صالحاً فلنفسه و من أساء فعلیها وما ربک بظلام للعبید» (فصلت / ۴۶)؛ «هر کسی عمل صالحی انجام دهد نفعش برای خود اوست، و هر کسی بدی کند به خویشتن بدی کرده، و پروردگار تو به بندگان هرگز ظلم و ستم نمی کند.» همچنین در جای دیگر می فرماید: «إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم و إن أساتم فلها...» (اسراء / ۷)؛ ناگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود بدی کرده اید.».

«و اما من آمن وعمل صالحاً فله جزاء الحسنی» (کهف / ۸۸)؛ «و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پاداش نیکو خواهد داشت.».

«إن الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنّات الفردوس نزلاً» (کهف / ۱۰۷)؛ «کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند بهترین و برترین باغ های بهشت منزلگاهشان است.» (طبرسی، ج ۱۵، ص ۱۳۷) و از آن رو که کمال یک نعمت در صورتی خواهد بود که دست زوال به دامن آن دراز نشود، بلافاصله اضافه می کند: «خالدین فیها لا یبغون عنها حولا»؛ آنها جاودانه در این باغ های بهشت خواهند ماند. و با اینکه طبع مشکل پسند و تحول طلب انسان دایم تقاضای دگرگونی و تنوع و تحول می کند، اما ساکنان فردوس هرگز تقاضای نقل مکان و تحول از آن نخواهند کرد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۱۲، ص ۵۶۴).

«إن الله یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنّات تجری من تحتها الانهار إن الله یفعل ما یرید: (حج / ۱۴)؛ خداوند کسانی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند در باغ های از بهشت وارد می کند که نهرها زیر درختانش جاری است. خدا هرچه را اراده کند، انجام می دهد.

«فَالذّین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة و رزق کریم» (حج / ۵۰) بگو: ای مردم، من تنها برای شما انذار کننده آشکاری هستم. کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، آمرزش خدا و روزی پر ارزشی در انتظار آنها است.

قرآن برای ترغیب افراد به کارهای نیک و اجتناب آنان از گناهان و جرایم، آموزه ها و تعالیم خود را قبلاً هماهنگ با این خواست فطری انسان کرده است. هنگامی که جرایم و گناهان را معرفی می کند بلافاصله متذکر عذاب های وحشتناک و ضررهای اخروی آنها می شود و بالعکس، در کنار اعمال صالح، پاداش های عظیم اخروی آنها را بازگو می کند. برای نمونه، در ذیل به چند آیه در این زمینه اشاره می شود:

«یوم نحشر المتّقین إلی الرّحمن وفداً ونسوق المجرمین إلی جهنّم ورداً» (مریم / ۸۵-۸۶)، پرهیزگاران را دسته جمعی با عزت و احترام به سوی خداوند رحمان، به سوی بهشت و پاداش های او راهنمایی می کنیم. در مقابل، مجرمان را در حالی که تشنه کامند به سوی جهنم می رانیم.

ب) سازوکار کیفر و مجازات

در واقع، قرآن آموزه های تربیتی خود را بر دو اصل اساسی «بشارت» و «انذار» یا «تشویق» و «تهدید» مبتنی کرده است. تبشیر، مژده دادن است و انذار به معنای ترسانیدن است. انسان موجودی است که روح خدا در او دمیده شده است و استعدادهایش با تعلیم و تربیت صحیح شکوفا می شود که در این میان یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت اصل تشویق و تنبیه است. انسان باید در برابر انجام کار نیک تشویق شود، و در برابر کار بد کیفر بیند تا انگیزه بیشتری برای پیمودن مسیر اول و گام نگذاردن در مسیر دوم پیدا کند.

در سوره «طه» در مورد پاداش نیکوکاران و عذاب بدکاران چنین می گوید: «أنه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم لا یموت فیها ولا یحیی» (طه / ۷۴)؛ هر کس بی ایمان و گنهگار در محضر پروردگار در قیامت بیاید آتش سوزان دوزخ برای اوست. مصیبت بزرگ تر او در دوزخ این است که نه می میرد و نه زنده می شود. «لا یموت فیها و لا یحیی»، بلکه داریم در میان مرگ و زندگی دست و پا می زند؛ حیاتی که از مرگ تلخ تر و مشقت بارتر است. و هر کس در آن محضر بزرگ، با ایمان و عمل صالح وارد شود، درجات عالی در انتظار اوست. «ومن یأته مؤمناً قد عمل الصّالحات فأولئک لهم الدّرجات العلی» (طه / ۷۵)؛ بهشت های جاویدانی که نهرها را زیر درختانش جاری است، و جاودانه در آن خواهند ماند: «جنّات عدن تجری من تحتها الانهار خالدین فیها» و این است پاداش کسی که با ایمان و اطاعت پروردگار خود را پاک و پاکیزه کند: «وذلک جزاء من تزکّی» (طه / ۷۶).

تشویق به تنهایی برای تربیت و اصلاح فرد و جامعه کافی نیست؛ زیرا انسان در این صورت، مطمئن است انجام گناه برای او خطری ندارد. ترس و تهدید تنها نیز موجب از بین رفتن انگیزه و علاقه افراد نسبت به انجام کارهای مثبت می شود.

کسانی که تصور می کنند تشویق تنها برای تربیت انسان کافی است، و باید تنبیه و تهدید و کیفر را بکلی کنار گذاشت، سخت در اشتباهند. افرادی هم که پایه تربیت را تنها بر ترس و تهدید می گذارند و از جنبه های تشویقی غافلند، در گم راهی و بی خبری به سر می برند.

هر دو گروه مزبور در شناخت انسان در اشتباهند؛ چرا که توجه ندارند انسان مجموعه ای است از بیم و امید؛ هم حب ذات و علاقه به حیات و هم نفرت از فنا و نیستی؛ یعنی ترکیبی است از جلب منفعت و دفع ضرر. آیا انسانی که ابعاد روحش را این دو تشکیل می دهد ممکن است پایه تربیتش تنها روی یک قسمت باشد؟

تعادل میان این دو لازم است. اگر تشویق و امید از حد بگذرد باعث جرئت و غفلت می شود و اگر بیم و انداز بیش از اندازه باشد نتیجه اش یأس و نومیدی و خاموش شدن شعله های عشق و تحرک است. به همین دلیل است که در آیات قرآن، «نذیر» و «بشیر» یا «انذار» و «بشارت» در کنار هم آمده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۲۶).

بر این اساس، کسی که به وجود خدا و دادگاه عدل الهی علم و ایمان دارد، می داند که ارتکاب جرایم، قانون شکنی، تعدی به حقوق دیگران و عدم پای بندی به اخلاق و ارزش های انسانی به دلیل عذاب ها و شکنجه های طاقت فرسای اخروی، «ضرر محض» است و بلکه زیان و خسران بالاتر از آن تصور نمی شود. شدت عذاب به گونه ای است که طبق آیات صریح قرآن، گنهکار دوست می دارد عزیزترین عزیزان خویش، یعنی فرزندان، همسر، برادر، فامیل و قبیله اش که همواره از او حمایت می کردند، بلکه تمام کسانی را که در روی زمین هستند فدا کند تا مایه نجات او در برابر آن عذاب هولناک گردد: «یود المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ بینه و صاحبته و أخیه و فصیلته الّتی تؤویه و من فی الارض جمیعاً ثم ینجیه» (معارف/۱۱-۱۴) عذاب الهی آنچنان وحشتناک و هول انگیز است که ظالمان حاضرند بزرگ ترین رشوه ای را که می توان تصور کرد، برای رهایی از آن پرداخت کنند اما کسی از آنها نمی پذیرد: (همان، ج ۸، ص ۳۱۵) «و لو أنّ لکلّ نفس ظلّمت ما فی الارض لافتدت به و أسروا الّندامه لما رأوا العذاب و قضی بینهم بالقسط و هم لا یظلمون» (یونس/ ۵۴) دو آیه اول سوره «حج» مقدمات هول انگیز و وحشتناک قیامت و زلزله عظیم رستاخیز را به تصویر کشیده و عموم مردم را بدون استثنا مورد

خطاب قرار داده و به آنها هشدار می دهد: «یا ایها الناس اتقوا ربکم إن زلزلة الساعة شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما أرضعت وتضع کل ذات حمل حملها وترى الناس سکاری وما هم بسکاری ولكن عذاب الله شدید» (حج/۲)؛ «ای مردم، از پروردگارتان بترسید، و پرهیزگاری پیشه کنید که زلزله رستاخیز، جریان مهم و عظیمی است. روزی که زلزله رستاخیز را مشاهده کنید آنچنان وحشت سر تا پای همه را فرا می گیرد که مادران شیرده از کودک شیرخوارشان غافل می شوند و هر بارداری (در آن صحنه باشد) جنین خود را سقط می کند. مردم را به صورت مستان می بینی، در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است که اینچنین هول و وحشت به دل ها افکنده و انسان ها را از خود بی خود ساخته است».

طبق این آیه، راه نجات از عذاب های وحشتناک و خطرهای عظیم قیامت، تقوا و پرهیزگاری است؛ زیرا یاد قیامت، موجب ایجاد نیروی بازدارنده از انحراف و کژروی ها می گردد. علاقه و محبت مادر شیرده نسبت به نوزاد، از قوی ترین علاقه ها و جذابیت هاست. خداوند برای بیان شدت سختی قیامت، به قطع این رابطه نیرومند مثال زده است، وگرنه در قیامت، هیچ مادر باردار یا شیردهی وجود ندارد. حوادث سخت قیامت، هم عاطفه را می گیرد «تذهل کل مرضعه» و هم عقل را: «تری الناس سکاری» (قرائتی، نور، ج ۸، ص ۱۵). بنابراین، این مستی به این دلیل است که از شدت ترس از عذاب الهی دچار دهشت و حیرت شده اند و در نتیجه، عقل هایشان را از دست داده اند. (علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۴۷۹).

«قال أما من ظلم فسوف نعذبه ثم یردّ الی ربّه فیعذبه عذاباً نكراً» (کهف/۸۷) [ذوالقرنین] گفت: اما کسی را که ستم کرده است (یعنی مشرک بوده و یا مسیر فساد و عصیان در پیش گرفته است) مجازات خواهیم کرد. سپس به سوی پروردگارش باز می گردد و خداوند او را به صورت بی سابقه ای که گمان نمی کند عذاب خواهد کرد. (همان، ج ۱۳، ص ۵۰۲).

نتیجه گیری:

از آنچه به تفصیل گذشت، نکاتی چند به دست می آید:

- ۱- قرآن و تعالیم وحیانی بهترین و بی بدیل ترین شیوه ها را برای پیشگیری از جرایم و مفاسد اجتماعی معرفی کرده است. همه این شیوه ها، مکمل و جزء تفکیک ناپذیر یک سیاست پیش گیری کامل و فراگیر را تشکیل می دهد.

۲- دین و تعالیم وحیانی برخلاف دیدگاه برخی مکاتب جرم‌شناسی، که بر پیش‌گیری غیرکیفری اصرار دارند و درصدد حذف مجازات از برنامه سیاست جنایی هستند، مجازات مجرمان را به منظور پیش‌گیری از تکرار جرم توسط خود مجرم و عبرت آموزی دیگران، بایسته و ضروری می‌داند.

۳- قرآن و تعالیم وحیانی در راستای انجام رسالت اصلی خویش، بر اصلاح و تربیت اخلاقی افراد و رساندن انسان به مقامات والای معنوی تأکید ویژه‌ای دارد. این امر می‌تواند علاوه بر سوق دادن انسان به سوی کمال نهایی و قرب الهی از ارتکاب جرایم به نحو مؤثری پیش‌گیری نماید.

۴- شکست تمام و یا بیشتر راه‌حل‌های بشری در میدان آزمون و خطا در عرصه‌های گوناگون، این حقیقت را به وضوح به اثبات می‌رساند که بشر با اتکالی صرف به عقل خود، بدون استمداد از آموزه‌های وحیانی، نمی‌تواند برنامه جامعی را برای پیش‌گیری تدوین و برطبق آن با ناهنجاری‌ها و کجروی‌ها مبارزه کند. از این رو، ضروری است که به منظور پیش‌گیری از جرائم و شیوع و گسترش آنها از آموزه‌های قرآنی استفاده کرد.

۵- به گونه‌ای که در بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته، مشخص شده است غالب مجرمان افرادی دور شده از دین هستند و در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که ارزشهای معنوی کم‌رنگ شده و ارزشهای مادی جای آن را گرفته است.

۶- تعالیم وحیانی و دینی نوعی ضمانت اجرای درونی و خودکنترلی برای افراد به همراه دارد که وقتی با مقررات و نظارت‌های بیرونی جامعه جمع شود، بازدارندگی قوی برای افراد در برابر ارتکاب جرم ایجاد می‌کند و انسانی که در گستره‌ی تعالیم دینی رشد پیدا می‌کند در همه حال خدا را ناظر بر رفتار و اعمال خویش می‌بیند.

۷- تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که در ایام خاصی نظیر ماه مبارک رمضان و محرم و ... میزان جرم و جنایت کاهش قابل توجهی دارد. آمارهای ارائه شده حاکی از آن است که میزان وقوع جرم و جنایت در ماه محرم ۹۱ درصد کاهش می‌یابد. همچنین تحقیقات در نیروی انتظامی نشان می‌دهد هر ساله آمار و ارقام جرایم در ماه محرم تا حد بسیاری کاهش می‌یابد و این امر ناشی از اثرگذاری این ایام در درون انسان‌ها است.

۸- از لحاظ مکانی نیز به یقین سطح خلاف و جرم در مکان های مقدسی چون مکه، مدینه و شهرهای مذهبی دیگر (مشهد، قم و...) و حتی در اطراف امامزاده ها و مساجد نسبت به بقیه نقاط بسیار پایین تر است.

بنابراین این فرضیه ثابت می شود که پیشگیری از جرایم، در سایه تعالیم و حیانی و اعتقادات مذهبی در شرایط و زمانها و اماکن مقدس کم رنگ تر میگردد.

۹- در پژوهش انجام شده این مطلب اثبات شده است که گروه های مذهبی و اصولاً افراد مذهبی کم تر دچار بحران هایی چون بحران هویت می شوند و کم تر در میان ایشان بزه های اجتماعی گسترش و یا رواج می یابد.

پیشنهادات

- ۱- علیرغم اینکه آموزه های دینی؛ مخصوصاً آموزه های دین مبین اسلام در بازدارندگی و کاهش ناهنجاریها و جرایم مختلف تأثیر بسزایی دارد، اما در قوانین موضوعه ایران و در درس دانشگاهی کمتر به این امر توجه شده است. امید است که توجه بیشتری به این مقوله در درس دانشگاهی حقوق شود.
- ۲- بهره گیری از ظرفیت های موجود در مسجد و همچنین حوزه علمیه برای توسعه و ترویج فرهنگ پیشگیری از جرم مبتنی بر آموزه های اسلامی
- ۳- مورد توجه مراکز علمی و تحقیقاتی به انجام برگزاری همایش های علمی در رابطه با تاثیر آموزه های دینی در پیشگیری از جرم

منابع

الف) منابع فارسی

کتب:

- قرآن مجید
نهج البلاغه
بحارالانوار
- ۱- ابوطالبی، حمید(۱۳۹۲)، «انسان شناسی اخلاق»، ناشر: کویر، چاپ اول.
 - ۲- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰)، «جرمشناسی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 - ۳- صدر، سیدمحمدباقر(۱۳۹۳)، «فلسفه ما»، ترجمه سید ابوالقاسم جسینی (ژرفا)، برای پژوهشگاه علمی تخصصی شهیدصدر، قم: دارالصدر.
 - ۴- لکالی اندی، مجید، « مقاله اعتقاد مذهبی در اسلام»، از کتاب پیشگیری از جرم، ص ۲۴۶.
 - ۵- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۱). « میزان الحکمه»، قم: مرکز تحقیقات دارالحديث.
 - ۶- مطهری، مرتضی(۱۳۶۸). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
 - ۷- مطهری، مرتضی(۱۳۶۸). گفتارهای معنوی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
 - ۸- مطهری، مرتضی(۱۳۶۸). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ج ۲۳، ص ۲۵۱.
 - ۹- مکارم شیرازی، ناصر(با همکاری جمعی از نویسندگان)(۱۳۸۴)، تفسیر نمونه، چاپ ۲۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 - ۱۰- ملکی تبریزی، میرزاچاد(۱۳۷۲)، «اسرارالصلوه»، مترجم: رجب زاده، رضا، ص ۲۰۵.

مقالات و نشریات

- ۱- ترابی، یوسف(۱۳۹۰)، مقاله « نقش دین و معنویت در پیشگیری از جرم»، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال چهارم، شماره ۱۴.
- ۲- چاچاله، فرشید(۱۳۸۷)، مقاله نقش اعتقادات مذهبی در پیشگیری از جرایم.
- ۳- اج پور، صدیقه. (۱۳۸۲). «نقش دین در پیشگیری از وقوع جرم»، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، بابل، اسفند.
- ۴- خسروشاهی، قدرت الله(۱۳۸۲)، «پیشگیری از جرم در پرتو آموزه های قرآنی»، فصلنامه بصیرت (دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق)، سال دهم، شماره های ۳۰ و ۳۱.

- ۵- خسرو شاهی، قدرت الله و همکاران (۱۳۹۰)، «پیشگیری از جرم در پرتو آموزه های دینی»، نشریه مهندسی فرهنگی سال ششم شماره ۵۷ و ۵۸.
- ۶- خسرو شاهی، قدرت الله (۱۳۸۲)، «پیشگیری ثانویه از جرم و انحراف در آموزه های قرآن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۴.
- ۷- داودی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «نظارت الهی و نقش آن در پیشگیری از گناهان و آلودگی های اجتماعی»، فصل نامه زلال هدایت، سال دوم، شماره اول.
- ۸- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰)، «دانشنامه امام علی (ع)»، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ۹- رمضانیان، سکینه (۱۳۸۹). «دین و پیشگیری از جرم». روزنامه رسالت، سال بیست و ششم، شماره ۷۲۱۴.
- ۱۰- شجاعی، سید جلال (۱۳۸۸). «نقش باورهای دینی در پیشگیری از جرم»

ب) منابع عربی

- ۱- خراز قمی رازی، ابوالقاسم علی بن محمد بن علی، کفایه الاثر فی النصوص علی عدد الاثمه، ص ۲۵۷
- ۲- سیوطی، جلال الدین (۱۳۱۴)، «الدر المثنور فی التفسیر بالمأثور»، تحشیه: محمد فیروزآبادی، بیروت - لبنان.
- ۳- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴- طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۵- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه ق)، «بحار الانوار»، بیروت: دار احیاء تراث العربی، چاپ سوم.
- ۶- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ج ۲، ص ۱۸۱